

انقلابی بمان!

گفت‌وگو با دکتر مسعود رضایی

صفحه ۴ و ۵

در سالروز تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی،
پیشینه تاریخی این شورا و عملکرد آن را مورد
بررسی قرار داده‌ایم



انقلاب فرهنگی به مثابه فرایند

سخن اول

محمد رضا میرزایی: زمانی که در

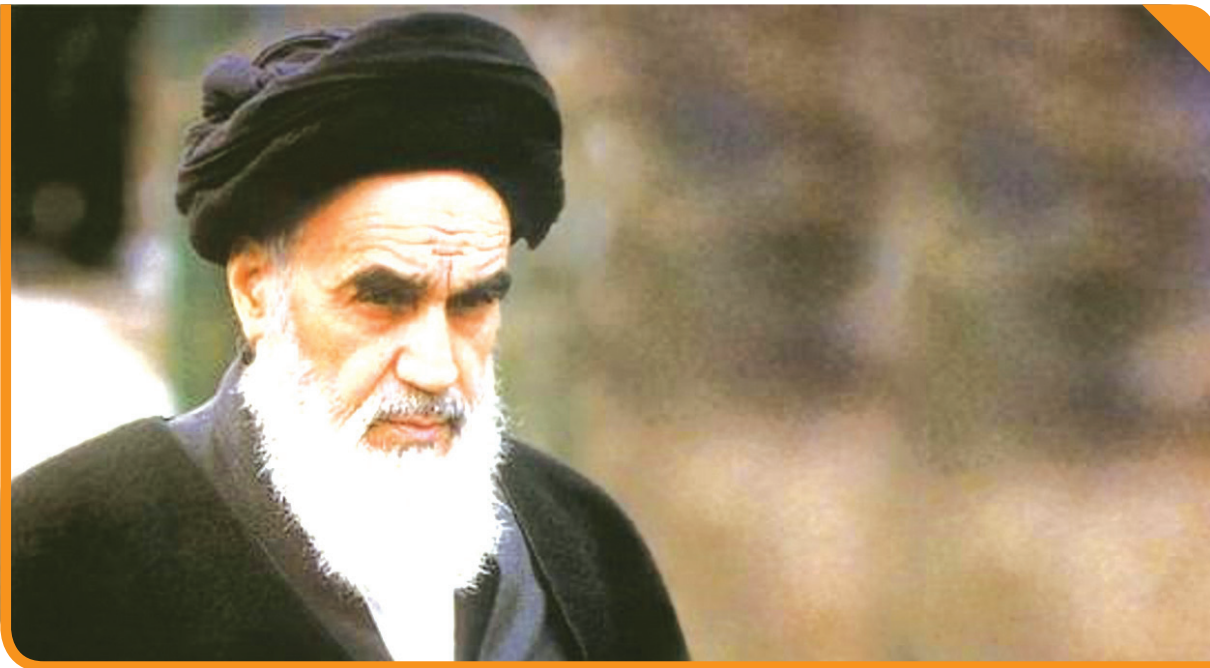
عالم سیاست گذاری و تصمیم گیری در عرصه سیاست یا اقتصاد سخن گفته می شود، معمولاً با مقولاتی سروکار داریم که باید با انجام اموری مشخص، طی مدتی معین به هدفی

از پیش تعیین شده دست یابیم؛ اما زمانی که بنا داشته باشیم در عرصه فرهنگ دست به برنامه ریزی بزنیم، با توجه به جنس فرهنگ و الزامات و مقتضیات آن، اصولاً سخن گفتن از زمانی مشخص برای رسیدن به هدف نمی تواند چندان معقول باشد. اگرچه می شود با با بخشنامه و آیین نامه و مصوبه به پیشبرد اهداف فرهنگی یاری رساند، لیکن بدون توجه به مسائل زیرساختی و توجه به زمینه های موفقیت در عرصه تصمیم گیری های حوزه فرهنگ نمی توان چندان به کامیابی در این زمینه امیدوار بود.

برخلاف سیاست و اقتصاد که به آن ها با نگاهی پروژه محور می نگرییم و می اندیشیم - که البته جز این هم کار پیش نمی رود - در عرصه فرهنگ با فرایندها و پروسه ها مواجه هستیم. امر فرهنگی زمانی به سر منزل مقصود می رسد که به آن همچون مقوله ای کوتاه مدت نگریسته نشود. با امر فرهنگی باید به شکل ذهنی درگیر شد و آن را رها نکرد. وجوه مختلف معطل و مشکل فرهنگ با طی زمان است که بر ما آشکار می شود و در طول زمان است که باید با تصمیم گیری بر اساس مقتضیات و مسائل آن چالش، خلأهای تصمیم گیری در حوزه فرهنگ را برطرف کرد.

انقلاب فرهنگی در ایران بعد از انقلاب و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی به فرمان امام خمینی (ره) طلیعه ای نیک برای مقابله با میراث شوم فرهنگی رژیم پهلوی و حرکت به سمت رشد و تعالی در عرصه علم و فرهنگ و دانشگاه بود. اقدام امام ناشی از یک تیزبینی بود. در منظومه فکری رهبر کبیر انقلاب، انقلاب سیاسی بدون انقلاب در عرصه فرهنگ تکمیل نمی شد و چه بسا ناکامی در عرصه فرهنگ، تمامی کامیابی ها در میدان سیاست را نیز به زیر می کشید. بنابراین، امام در عرصه فرهنگ انقلابی و انقلاب فرهنگی آغازگر راهی بود که تداوم حیات انقلاب اسلامی در گرو توجه ویژه به آن است. اینجاست که با توجه به فرایندی بودن امر فرهنگی باید گفت نمی توان زمان مشخصی برای پایان انقلاب فرهنگی در نظر گرفت. انقلاب فرهنگی با امام آغاز شد اما پایان نیافت، همچنان ادامه دارد؛ خاصه آنکه انقلاب اسلامی به مرحله ای از حیات خود رسیده است که دشمنان آن بیشتر تمرکز خود را برای شکستن سد آن بر مقوله فرهنگ ایران اسلامی بنا نهاده اند و در این عداوت از هیچ کوششی فروگذار نخواهند کرد.

در سال های اخیر و با تأکیدات مقام معظم رهبری و دغدغه ویژه ایشان بر مسائل فرهنگی، جنگ نرم، اسلامی سازی دانشگاه ها و اصلاح علوم انسانی و... انتظار می رود تلاش مسئولان فرهنگی در تدبیر این امور به ویژه در شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان متولی اصلی در امر سیاست گذاری فرهنگی افزون گردد. ▲



دستور نجات دانشگاه

تیزبینی امام خمینی (ره) در رصد تحولات دانشگاه در سال های نخست انقلاب و دستور تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی از استحاله این نهاد مهم فرهنگی به نفع معارضین انقلاب جلوگیری کرد

حضرات آقایان محترم محمدجواد باهنر، مهدی ربانی املشی، حسن حبیبی، عبدالکریم سروش، شمس آل احمد، جلال الدین فارسی و علی شریعتمداری مسئولیت داده می شود تا ستادی تشکیل دهند و از افراد صاحب نظر متعهد از بین اساتید مسلمان و کارکنان متعهد باایمان و دیگر قشرهای تحصیل کرده، متعهد و مؤمن به جمهوری اسلامی دعوت نمایند تا شورایی تشکیل دهند و برای برنامه ریزی رشته های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاه ها بر اساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و اساتید شایسته، متعهد و آگاه و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی اقدام نمایند.

بدین ترتیب، ستاد انقلاب فرهنگی با هدف برنامه ریزی رشته های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاه ها بر اساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده سازی اساتید شایسته، متعهد و آگاه تشکیل شد. ستاد انقلاب فرهنگی طبق فرمان امام ملزم بود که در برخورد با مسائل دانشگاهی فعالیت های خود را بر چند محور، تربیت استاد و گزینش افراد شایسته برای تدریس در دانشگاه ها، گزینش دانشجو، اسلامی کردن جو دانشگاه ها و تغییر برنامه های آموزشی دانشگاه ها متمرکز کند، به صورتی که محصول کار آن ها در خدمت مردم قرار گیرد.

در شهریور سال ۶۲ با توجه به نظر امام مبنی بر لزوم ترمیم و تقویت ستاد و مخصوصاً حضور مسئولان اجرایی در آن، به دنبال نامه رئیس جمهور وقت (آیت الله خامنه ای)، امام طی نامه ای به پیشنهاد رئیس جمهور مبنی بر ترمیم و تکمیل ستاد انقلاب فرهنگی پاسخ دادند و از این تاریخ ستاد با ترکیب نخست وزیر، وزرای فرهنگ و آموزش عالی و فرهنگ و ارشاد اسلامی، دو نفر دانشجو به انتخاب جهاد دانشگاهی و آقایان علی شریعتمداری، احمد احمدی، عبدالکریم سروش و مصطفی معین به فعالیت خود ادامه داد.

با بازگشایی دانشگاه ها، فعالیت ستاد انقلاب فرهنگی ادامه یافت و ضرورت توسعه و تعمیق کار این ستاد ایجاد کرد که در نوزدهم آذر ۱۳۶۴، حضرت امام، رؤسای سه قوه و تعداد دیگری از اندیشمندان فرهنگی کشور را به اعضای آن بیفزایند و بدین شکل ستاد انقلاب فرهنگی با ترکیب جدید خود تحت عنوان شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت خود را آغاز کرد. تدوین اصول سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی در تعیین اهداف و جهت برنامه های فرهنگی، آموزشی، پژوهشی و علمی، تعیین مراجع برای طرح و تدوین برنامه های فرهنگی، آموزشی، علمی و تحقیقاتی، تصویب آیین نامه های مهم و اساسی مراکز علمی و فرهنگی، آموزش و پژوهشی کشور، تصویب ضوابط تأسیس مؤسسه ها، مراکز علمی و فرهنگی و تحقیقاتی و دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، تهیه طرح و تدوین آیین نامه ها برای ایجاد زمینه های لازم جهت بسیج و مشارکت همه جانبه مردم، تدوین ضوابط برای گزینش اساتدان و معلمان دانشگاه ها و مراکز آموزشی، نظارت بر کلیه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، تأیید نامزدهایی که وزیر فرهنگ و آموزش عالی به عنوان رئیس دانشگاه ها پیشنهاد می کند، تدوین ضوابط و اصول کلی و سیاست های مربوط به توسعه روابط علمی و فرهنگی با کشورهای دیگر و نظارت بر امور کتاب های درسی از مهم ترین وظایفی هستند که برای این شورا تعیین شد. ▲

بهمن آهنگری: با پیروزی انقلاب اسلامی و پس از فروپاشی نظام

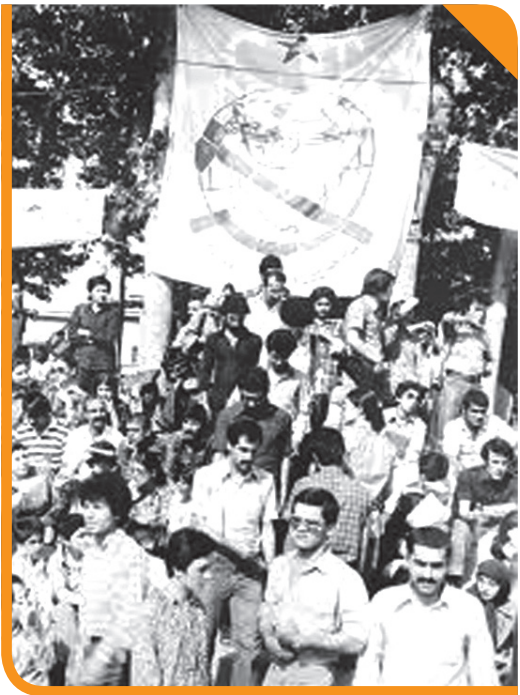
پهلوی، نهادهای انقلابی مختلفی یکی پس از دیگری برای اصلاح شرایط جامعه در شئون مختلف پا گرفت؛ اما فرهنگ حاکم بر نهادهای جامعه مخصوصاً نهادهای فراگیری مانند آموزش و پرورش و دانشگاه ها مسئله ساده ای نبود که بتوان در کوتاه مدت تحولات لازم را در آن ها به وجود آورد. در چنین شرایطی ضرورت تغییر بنیادین در برنامه ها و شیوه های تدریس و تربیت و اهداف آن از سوی عده ای مطرح می شد و این منویات اقدامی انقلابی این بار در ساحت فرهنگ می طلبید. در نتیجه این حساسیت ها بود که انقلاب فرهنگی در دانشگاه ها صورت گرفت و برای مدتی تمام دانشگاه های کشور تعطیل و به فرمان امام خمینی (ره) ستاد انقلاب فرهنگی به منظور سامان دهی امور فرهنگی مدارس و دانشگاه ها تشکیل شد. امام خمینی (ره) همچنین در پیام نوروزی خود در فروردین ۱۳۵۹ فرمودند: «باید انقلاب اسلامی در تمام دانشگاه های سراسر ایران به وجود آید تا اساتیدی که در ارتباط با شرق و یا غربند تصفیه گردند و دانشگاه محیط سالمی شود برای تدریس علوم عالی اسلامی.»

با افزایش تنش ها و درگیری ها در میان گروه های مختلف سیاسی که دانشگاه را محلی برای تبلیغ و ترویج ایدئولوژی مطبوع خود کرده بودند، شورای انقلاب به دنبال ملاقات با امام در بیانیه ای اعلام کرد دانشگاه باید از حالت ستاد عملیاتی گروه های گوناگون خارج شود. در این بیانیه سه روز مهلت برای برپیده شدن دفاتر و تشکیلات گروه ها در دانشگاه ها تعیین و افزوده شده بود که امتحانات دانشگاهی باید تا ۱۴ خرداد به پایان برسد و از ۱۵ خرداد دانشگاه ها تعطیل و هرگونه اقدام استخدای و مانند آن در دانشگاه متوقف گشته و نظام آموزشی کشور بر اساس موازین انقلابی و اسلامی طرح ریزی شود. پس از تعطیل رسمی دانشگاه ها، امام خمینی (ره) در ۲۳ خردادماه سال ۵۹ فرمانی را مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی صادر کردند و ضمن ابراز ناراضی از روند اقدامات انجام شده اعلام کردند: «مدتی است ضرورت انقلاب فرهنگی که امری اسلامی است و خواست ملت مسلمان می باشد اعلام شده است و تاکنون اقدام مؤثری انجام نشده است؛ و ملت اسلامی و خصوصاً دانشجویان باایمان متعهد نگران آن هستند و نیز نگران اخلال توطئه گران که هم اکنون گاه گاه آتارش نمایان می شود؛ و ملت مسلمان و پایبند به اسلام خوف آن دارند که خدای نخواستہ فرصت از دست برود و کار مثبتی انجام نگیرد و فرهنگ همان باشد که در طول مدت سلطه رژیم فاسد کارفرمایان بی فرهنگ، این مرکز مهم اساسی را در خدمت استثمارگران قرار داده بودند.»

ستاد انقلاب فرهنگی طبق فرمان امام ملزم بود که در برخورد با مسائل دانشگاهی فعالیت های خود را بر چند محور، تربیت استاد و گزینش افراد شایسته برای تدریس در دانشگاه ها، گزینش دانشجو، اسلامی سازی جو دانشگاه ها و تغییر برنامه های آموزشی دانشگاه ها متمرکز کند، به صورتی که محصول کار آن ها در خدمت مردم قرار گیرد. امام خمینی (ره) همچنین هشدار دادند: «ادامه این فاجعه که مع الأسف خواست بعضی گروه های وابسته به اجانب است، ضربه ای مهلک به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد؛ و تسامح در این امر حیاتی، خیانتی عظیم بر اسلام و کشور اسلامی است. براین اساس، به

آب در لانه مارکسیسم و لیبرالیسم

مروری بر دستاوردهای انقلاب فرهنگی در ایران



محسن یزدانی: با پیروزی انقلاب اسلامی شاید مهم‌ترین دغدغه مسئولان نظام جمهوری اسلامی در حوزه فرهنگ معطوف به دانشگاه‌ها می‌شد. در سال‌های نخستین پیروزی انقلاب، دانشگاه‌ها عملاً محل فعالیت‌های سیاسی گروه‌های معارض با انقلاب اسلامی شده بود. پیش از شروع انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌های ایران از مهم‌ترین کانون‌های اصلی حضور مخالفان علیه نظام جمهوری اسلامی بودند و حکومت هیچ کنترلی بر فعالیت‌های آن‌ها نداشت. بدون اغراق، یک سال پس از انقلاب، دانشگاه‌ها به کانون اصلی مخالفان جمهوری اسلامی و محلی برای یارگیری تشکیلاتی این گروه‌ها از بین دانشجویان شده بود؛ لذا پیش از هر اقدام ایجابی، باید به‌نحوی با این چالش مقابله می‌شد تا بیش از این ساحت دانشگاه به‌عنوان یک مرکز مهم علمی و فرهنگی آلوده به کثیف‌ترین نوع فعالیت‌های سیاست‌بازانه نشود. اقدام امام خمینی (ره) مبنی بر صدور تعطیلی دانشگاه‌ها و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی در همین راستا و برای احیای نهاد علم در ایران شکل گرفت. اما این اقدام چه دستاوردهایی برای جامعه دانشگاهی و فرهنگی ایران به همراه داشت؟ در ادامه به دو مورد اساسی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

نوزایی حیات علمی در ایران

پیش از شروع انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌ها از مهم‌ترین کانون‌های حضور مخالفان نظام جمهوری اسلامی بودند و وضعیت آن‌ها از دست حکومت خارج شده بود. یک سال پس از انقلاب، دانشگاه‌ها به کانون اصلی اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی و محلی برای یارگیری تشکیلاتی این گروه‌ها تبدیل شده بود. در اواخر فروردین‌ماه سال ۱۳۵۹، شورای انقلاب با تأیید امام خمینی (ره) به گروه‌های سیاسی فعال در دانشگاه‌ها برای تخلیه دفتراهای خود در دانشگاه‌ها مهلتی سه‌روزه داد که طی این روزها درگیری و خشونت در دانشگاه‌های مختلف ایران شدت گرفت. این رویداد سرآغاز «انقلاب فرهنگی» به شمار می‌رود که دستور امام خمینی (ره) تعطیلی دانشگاه‌ها به مدت بیش از دو سال و اخراج بسیاری از اساتید و دانشجویان چپ‌گرا و لیبرال را در پی داشت. همچنین، در طی این دوران محتوای بسیاری از کتب درسی و علمی

مورد بازبینی قرار گرفت. به شیوه‌های مختلف، دیدگاه‌های موسوم به چپ و لیبرال از دانشگاه حذف شد و همچنین تغییراتی با هدف اسلامی کردن دانشگاه و اجرای شریعت اسلامی در دانشگاه‌ها اعمال گردید. این سلسله برنامه‌ها تأثیرات زیادی بر ساختار فرهنگی و علمی ایران به همراه داشت؛ چنان‌که تعدادی از اساتید و دانشجویان با گرایش‌های تند لیبرالیستی و مارکسیستی ایران را ترک کردند و این فرصت برای نسل جوان و بانگیزه و مؤمن انقلابی فراهم آمد تا با به دست آوردن کرسی‌های دانشگاهی به نوزایی حیات علمی ایران در سال‌های پس‌انقلاب کمک کنند.

تسخیر دژ گروهک‌های سیاسی

با پیروزی انقلاب، دانشگاه‌ها بازگشایی شدند، اما عملاً دانشگاه محل فعالیت‌های سیاسی شده بود. در بحبوحه مبارزه علیه نظام شاهنشاهی، دانشگاه «سنگری برای مبارزه و آزادی» بود. در این دوران درک نسبتاً یکسانی از دانشگاه در میان همه گروه‌های سیاسی وجود داشت، اما از ۱۳۵۹/۱/۳۰ تا ۱۳۵۹/۲/۲، دانشگاه به موضوع نبرد برای تسخیر توسط همین گروه‌ها تبدیل شد. وانگهی، این بار مردم از خیابان به درون دانشگاه ریختند تا این سنگر را تسخیر کنند (روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۲). گروه‌های مختلف دانشجویی با گرایش‌های لیبرالیستی، مارکسیستی و... در دانشگاه‌ها فعال بودند و هرکدام دفاتر و اتاق‌های دانشگاهی را تسخیر کرده بودند؛ در چنین شرایطی دانشگاه‌ها از کنترل خارج شده بودند. در واقع یک سال پس از انقلاب، دانشگاه‌ها به محلی برای یارگیری تشکیلاتی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق تبدیل شده بود. دانشجویان هوادار سازمان مجاهدین خلق (منافقین) دانشگاه‌ها را سنگربندی کرده بودند. اما موضوع مهم‌تر دگرگونی جوانانی بود که پای به دانشگاه می‌گذاشتند؛ ورود به دانشگاه مترادف بود با داخل شدن در مرکز هیاهوی گروه‌های سیاسی-نظامی که جز شعارها و تحلیل‌های عاطفی و احساسی چیزی برای عرضه نداشتند. در حقیقت، دانشگاه‌ها به ستاد مرکزی فعالیت و خوراک‌سازی فکری و تبلیغاتی برای گروه‌های معاند تبدیل شده بودند و این موضوعی نبود که بر بزرگان انقلاب پوشیده بماند. اکثریت اعضای شورای انقلاب

اعتقاد داشتند دانشگاه کاملاً در دست گروهک‌ها قرار گرفته و وضع به مرحله خطرناکی رسیده است. برای اینکه این حاکمیت تغییر کند و به حاکمیت انقلاب بر دانشگاه تبدیل شود، لازم بود توفقی در وضعیت موجود ایجاد شود تا از یک طرف، به لحاظ آموزشی تمام متون، سیستم و روش‌ها - با آن محورهایی که آن‌ها دنبال می‌کردند- تغییر کند و از طرف دیگر، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به دنبال این بودند که یک جو مناسب برای کار آموزشی پیش آید؛ یعنی دانشگاه از حالت سیاست‌زده صرف و آن هم مرکزی علیه انقلاب و نه در جهت انقلاب، تبدیل شود به یک مرکز آموزشی در خدمت انقلاب.

با ورود به سال ۱۳۵۹ و پیام نوروزی امام خمینی (ره)، جلسات برای تغییر در فضای دانشگاه روند سریع‌تری به خود گرفت. امام در بند ۱۱ پیامشان بر ضرورت ایجاد «انقلاب اساسی در دانشگاه‌های سراسر کشور»، «تصفیه اساتید مرتبط با شرق و غرب» و «تبدیل دانشگاه به محیطی سالم برای تدوین علوم عالی اسلامی» تأکید کردند. ▲

وصله نجسب انقلاب فرهنگی

نگاهی انتقادی به گفتار دیروز و امروز عبدالکریم سروش

درباره انقلاب فرهنگی

همین ایام در مصاحبه‌ای در خصوص حذف برخی رشته‌های دانشگاهی گفت: «این رشته‌ها را کنار گذاشتیم و به تعبیری که در اسلام داریم، که ان‌شاءالله علم نافع را در دانشگاه‌ها ترویج بدهیم.»
در این مقطع، وی با اهداف انقلاب فرهنگی از جمله پاک‌سازی اساتید وابسته و اسلامی شدن دانشگاه‌ها به‌شدت موافق بود و می‌گفت: «اگر ما از استاد خوب، متخصص و متعهد غنی بودیم

آرزو زینالی: در میان چهره‌های حاضر در ستاد انقلاب فرهنگی فردی وجود داشت که انسان از مقایسه گفتار دیروز و امروزش در باب مقولاتی چون انقلاب فرهنگی، تعطیلی دانشگاه‌ها و تصفیه اساتید و... متحیر می‌شود؛ او کسی نبود جز عبدالکریم سروش، فردی که با نفاق توانسته بود نظر مسئولان نظام اسلامی را به خود جلب کرده و از این طریق به مناصب مهم و حساس در حوزه فرهنگ دست پیدا کند. نقاب‌ی که در سال‌های نه‌چندان دور پس از انقلاب از چهره او افتاد و چهره حقیقی او را بر همگان نمایان ساخت. او که زمانی جزو حامیان اصلی تصفیه اساتید غرب‌زده بود، خود به جایی رسید که با حمله به شریعت و نبوت، آب به آسیاب همان غرب‌زدگان ریخت و گوی سبقت را از هر ضد انقلابی در عداوت با انقلاب و اسلام ربود.

سروش به لحاظ نظری به‌شدت تحت تأثیر کارل پوپر فیلسوف پوزیتیویست و ضد دین اتریشی بود، فیلسوفی که عملاً به‌واسطه آرای فلسفی‌اش با امری چون «انقلاب» نمی‌توانست میان‌ه‌ای داشته باشد. بنابراین سروش هم با تأثیرپذیری بالا از وی نمی‌توانست یک انقلابی اصیل قلمداد شود؛ چراکه در باطن به انقلاب باوری نداشت، از این رو با متفکرانی چون رضا داوری اردکانی که دلسوز انقلاب اسلامی بودند به‌واسطه اینکه دستش را به لحاظ نظر و عقیده فکری رو می‌کردند، به تندترین وجه ممکن رودررو شد. شاید شگفت‌آور باشد که امروز بشنویم سروش در آغازین روزهای انقلاب فرهنگی از مخالفان برخی رشته‌های دانشگاهی که آن‌ها را دانش کاذب می‌نامید، بود. وی در



معذور خواهیم بود؛ اما بقیه اساتدان، ما از یک طرف امیدمان این است که آن‌ها با اسلامی‌تر شدن دانشگاه، با حرکتشان در خط کلی انقلاب در حقیقت رفته‌رفته از آن خواب گرانی که حکومت گذشته بر آن‌ها تحمیل کرده بود، بیدار شوند.»
مقایسه این دیدگاه‌ها با نظرات کنونی سروش می‌تواند جالب توجه باشد. سروش در مصاحبه بهار ۱۳۸۶ سعی کرد با پررنگ کردن نقش دیگران در ستاد انقلاب فرهنگی، نقش خود را در پاک‌سازی اساتید کم‌رنگ نشان دهد: «ستاد مکلف به بستن دانشگاه‌ها نبود و این خطایی است که من در پاره‌ای از نوشته‌ها می‌بینم. ستاد متشکل از هفت نفر بود و من در اغلب بحث‌هایی که امروزه می‌شود، می‌بینم. مسئله چنان مطرح می‌شود که گویی ستاد انقلاب فرهنگی یک نفر داشت، آن هم عبدالکریم سروش بود. یک وظیفه هم داشت، آن هم بیرون کردن دانشگاهیان بود. هر دو ادعا بسیار جفاکارانه و دروغ است. این دروغ تاریخی باید افشا شود.»^۲

این چنین بود که عبدالکریم سروش که روزگاری با نفوذ در صف انقلابیون برای فرهنگ انقلاب اسلامی تصمیم می‌گرفت، امروز این چنین خود را در فاصله با انقلاب اسلامی می‌بیند و به شکل علنی از هیچ کوششی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی فروگذار نمی‌کند. ▲

پی‌نوشت‌ها:

۱. مجله دانشگاه انقلاب، تابستان ۱۳۶۱، شماره ۱۳، ص ۱۲
۲. همان
۳. روزنامه هم‌میهن، ۱۳۸۶/۳/۲۰



گفت‌وگو با دکتر مسعود رضایی

انقلابی بمان!

آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی
انتظارها را برآورده کرده است؟

کانون‌های وابسته به غرب داشت، تفکرات و رفتارهای غربی مشاهده می‌شد. در واکنش به این موضوع، دانشجویانی هم بودند که با گرایش چپ برای مبارزه با غرب، تفکرات مارکسیستی داشتند؛ اما در شکل کلان موضوع، بافت علمی دانشگاه‌ها و محتوای کتاب‌ها به طور عمده برگرفته از اندیشه‌های غربی بوده است.

در این زمینه گفت‌وگویی با دکتر مسعود رضایی، محقق و پژوهشگر حوزه تاریخ و نیز مؤلف کتاب «سیاست و تاریخ معاصر ایران»، در حوزه فلسفه و چگونگی تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز عملکرد آن در حوزه‌های فرهنگ و دانشگاه داشتیم که می‌خوانید.

فرهنگی را انتخاب و وظیفه آنان را تعیین کردند. بر اساس گفته اندیشمندان حوزه علوم انسانی، یکی از موضوع‌هایی که دغدغه اصلی مدیران کشور بود حضور تفکرات چپ و مارکسیستی در بین اقشاری از دانشجویان در این دوره است.

دانشگاه به معنای امروزی در زمان رضا پهلوی از سوی غربی‌ها در کشور بنیان‌گذاری شد، منابع درسی آن هم برگرفته از تفکرات غربی و ترجمه‌شده از کتاب‌های جامعه غرب بود. عنوان می‌شود در مقایسه رواج تفکرات غربی، شرقی و اسلامی در دانشگاه‌ها، مکتب‌های فکری غربی بین اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و دانشجویان پیش از انقلاب در رتبه نخست قرار داشته است. همچنین در سطح جامعه به‌واسطه حضور حکومت پهلوی که

فاطمه امیراحمدی: با پیروزی انقلاب اسلامی، ضرورت انقلاب فرهنگی نیز در کشور به‌ویژه در فضای دانشگاهی نمود پیدا کرد. با توجه به اتفاق‌های پیش از انقلاب و نیز پس از آن، دانشگاه‌ها با طیف‌های گوناگون فکری به مرکزی سیاسی برای مبارزه با حکومت پهلوی تبدیل شده بود؛ گروه‌هایی که یا وابسته به تفکرات و اندیشه‌های

غربی بودند، یا چپ متمایل به مکاتب شرقی، البته در این میان نباید دانشجویان گروه‌های اسلامی را از قلم انداخت. یکی از نقاط عطف تصمیم‌گیری زمامداران انقلاب، ایجاد محیطی متناسب با فرهنگ انقلاب اسلامی در دانشگاه‌ها بود؛ از این رو ۲۳ خرداد ۱۳۵۹ امام خمینی (ره) طی حکمی اعضای ستاد انقلاب

تاریخ

کار آغاز شد. ضوابط در زمینه گزینش استاد و دانشجو و نیز آیین‌نامه‌ها تدوین شد. گروه‌هایی به‌ویژه در حوزه علوم انسانی تشکیل شدند تا محتوای اسلامی را تدوین و منتشر کنند. مرکزی هم به نام سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) به وجود آمد. چالشی که همان ابتدا ستاد انقلاب فرهنگی با آن روبه‌رو شد این بود که جلسات تشکیل و آیین‌نامه‌هایی تصویب می‌شد و حتی کتب علوم انسانی با محتواها و رویکردهای اسلامی تدوین شد، اما چون ستاد قدرت اجرایی نداشت، مصوبات در دانشگاه‌ها جاری و ساری نمی‌شدند. از این رو به نظر می‌رسید افراد بیشتری باید به این ستاد اضافه شوند و تغییراتی برای اجرایی شدن تصمیم‌ها اتخاذ شود. کار بزرگی پیش رو داشتیم و نیاز بود تا افراد بیشتری در شورا حضور داشته باشند. برای رفع فقدان قدرت اجرایی، سال ۱۳۶۳ رؤسای سه قوا، عضو جدید این تشکیلات شدند.

در ادامه حضرت امام خمینی (ره) حکم جدیدی را صادر کرد که ستاد انقلاب فرهنگی به شورای عالی انقلاب فرهنگی تبدیل شود و علاوه بر رؤسای سه قوا، افراد صاحب‌فکر و دارای مسئولیت‌های

دانشگاه اخراج شدند تا دانشگاه بتواند به مسیر عادی و متعارف خودش برگردد.

در این راستا ستاد انقلاب فرهنگی تشکیل شد. این ستاد دارای هفت عضو بود و اعضای آن از شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور به شمار می‌رفتند: علی شریعتمداری، محمدجواد باهنر، محمدمهدی ربانی، ام‌لشی، حسن حبیبی، شمس آل‌احمد، عبدالکریم سرروش و جلال‌الدین فارسی. قرار شد تلاش‌ها در راستای تدوین کتاب‌ها و ضوابطی باشد که بر اساس اصول و باورهای

خودمان محتواها تغییر کند؛ بنابراین ستاد انقلاب فرهنگی هسته اولیه‌ای برای تحولات فرهنگی است که در اوایل انقلاب شکل می‌گیرد.

گروه‌های وابسته به مکتب‌های مارکسیستی و کمونیستی بود و از فضای علمی خودش دور شده بود. در این دوره شاهد بودیم که این گروه‌ها

دانشگاه‌ها را به کانون‌های سیاسی و حتی در برخی موارد نظامی تبدیل کرده بودند. برای اجرایی شدن پیام امام و همچنین خالی کردن دانشگاه از گروه‌های سیاسی وابسته به غرب و شرق (که در آن دوره به طور عمده گروه‌ها وابسته به شرق بودند)، مسئله انقلاب فرهنگی پیش آمد و قرار شد دانشگاه‌ها

در مسیری که امام تأکید داشتند، قرار گیرند و در نتیجه محیط دانشگاه از این گروه‌ها پاک شود. در این چارچوب دانشگاه‌ها تعطیل و گروه‌ها از

« ضرورت و فلسفه وجودی شکل‌گیری شورای عالی انقلاب فرهنگی در حالی که وزارت فرهنگ و ارشاد یا حتی وزارت آموزش و پرورش را داشتیم چه بود؟

تشکیلات شورای عالی انقلاب فرهنگی دارای پیشینه‌ای است که به سال ۱۳۵۹ برمی‌گردد. اوایل انقلاب هنوز تشکیلات اداری و فرهنگی کشور انسجام لازم را نداشت. با توجه به اینکه در حکومت قبل (پهلوی دوم) فرهنگ کشور و دانشگاه‌ها تحت تأثیر فرهنگ‌های غربی و شرقی قرار گرفته بودند و حتی در دروس دانشگاهی دیدگاه‌های غربی یا بعضاً شرقی تدریس می‌شد و همچنین استادان دارای وابستگی علمی و فکری به مکتب‌های غربی و شرقی بودند، حضرت امام عنوان کردند باید تحول اساسی در این باره انجام شود؛ بنابراین در پیام نوروزی سال ۱۳۵۹ بر پیرایش دانشگاه‌ها و دروس آن‌ها از فرهنگ‌های بیگانه تأکید کردند؛ همچنین بر پیرایش دانشگاه از استادان وابسته به رژیم پهلوی یا فقط پیرو تفکرات و مکتب‌های غربی و شرقی تأکید شد. در آن مقطع زمانی دانشگاه‌ها به شدت تحت تأثیر

“

معنا و مفهوم انقلاب فرهنگی این بود که برای تدوین نظریات و تئوری‌های مبتنی بر فرهنگ و اندیشه اسلامی تلاش و آن‌ها را در دانشگاه‌ها تدریس و ترویج کنیم. به این سمت پیش برویم که استادان و دانشجویان مسلمان ایرانی قدرت فکری خلاق داشته باشند و با خودباوری تحقیق کنند و نظریه ارائه بدهند که همگی مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی باشد.

دانشگاهی هم به این جمع اضافه شوند. با حضور رؤسای سه قوا مصوبات این شورا از قدرت اجرایی و نفوذ بیشتری برخوردار شدند؛ ضمن اینکه افراد بیشتری عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی شدند تا با همفکری طرح و برنامه‌های بهتری برای ایجاد تحول علمی و فرهنگی در دانشگاه‌ها و همچنین سطح جامعه ایجاد کنند.

از زمان حضرت امام تا امروز، ریاست این شورا بر عهده رئیس‌جمهوری کشور بوده است. در آن مقطع زمانی آیت‌الله خامنه‌ای که رئیس‌جمهور بودند ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی را بر عهده داشتند تا زمانی که به رهبری برگزیده شدند. در حال حاضر این سمت بر عهده حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشور است.

« در سخنان خود اشاره کردید اوایل انقلاب دانشجویان در دانشگاه‌ها بیشتر گرایش و فعالیت داشتند. اصولاً فرهنگ ما پیش از انقلاب مبتلا به چه بیماری‌هایی بود که پس از انقلاب ضرورت اصلاح آن احساس می‌شد؟

لازم به بیان است که کتاب‌های موجود در دانشگاه‌ها بیشتر با تفکرات غربی بودند، البته کتاب‌هایی هم بودند که مفاد درسی آن‌ها مفاهیم کمونیستی و مارکسیستی را در دانشگاه‌ها رواج می‌دادند. موضوعی که در دانشگاه‌ها مشکوک بود، حضور تفکرات چپ و مارکسیستی در بین اقشاری از دانشجویان بود.

دانشگاه به معنای امروزی در زمان رضا پهلوی از سوی غربی‌ها در کشور بنیان‌گذاری شد؛ از این رو منابع درسی و استادان بیشتر غربی و غرب‌زده بودند. اگر بخواهیم مقایسه کنیم بین تفکرات غربی، شرقی و اسلامی، باید گفت تفکرات غربی و غرب‌زدگی بین اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در دوره قبل از انقلاب دارای رتبه بالاتری بود. در جامعه به‌واسطه حضور حکومت پهلوی که دارای کانون‌های وابسته به غرب بود تفکرات و رفتارهای غرب‌زده نمود زیادی داشت. در واکنش به این موضوع، دانشجویانی بودند که برای مبارزه با غرب گرایش به تفکرات مارکسیستی پیدا کردند؛ بنابراین آن‌ها هم طیفی را کنار افراد غرب‌زده شکل داده بودند. تعدادی از دانشجویان هم به دنبال تفکرات اسلامی، کانون‌هایی را تشکیل داده بودند. نسبت آن‌ها با توجه به رویدادهایی که رخ می‌داد متفاوت بود، اما آنچه در آن مقطع انقلاب وجود داشت این بود که بافت علمی دانشگاه و محتوای کتاب‌ها به طور عمده غربی بود (لازم به یادآوری است در حوزه علوم انسانی گفت‌وگو می‌کنیم و علوم طبیعی، مهندسی یا رشته ریاضی خیلی در این مقوله نمی‌گنجد).

تفکرات مارکسیستی در بین تعدادی از دانشجویان رواج داشت که بسیار فعال و پرسروصدا بودند. گروه‌های متعددی را تشکیل می‌دادند که پرتعداد نبود، اما پرسروصدا بود، نشریه داشتند و فعالیت می‌کردند. در این دوره طیف گسترده‌ای از دانشجویان مسلمان هم در قالب انجمن‌های اسلامی از پیش از انقلاب شکل گرفته و پس از انقلاب هم فعالیت داشتند. این افراد در همان ابتدای انقلاب با همکاری یکدیگر دفتر تحکیم وحدت را تشکیل می‌دهند.

در چنین فضایی که گروه‌های چپ‌پرتحرک هستند و بعضی از آن‌ها مانند مجاهدین خلق دفترهای خود را به پایگاه‌های نظامی تبدیل کرده بودند، اسلحه داشتند و در دانشگاه‌ها فضا را کاملاً سیاسی و نظامی کرده بودند، این فضا سبب برخی تشنج‌ها و اتفاقاتی شد، مانند درگیری‌هایی که

در ترکمن‌صحرا گروه‌های چپ به وجود آوردند و یا مسائلی که در کردستان شاهد بودیم. همچنین اتفاق‌هایی که در تهران و کلان‌شهرها رخ می‌داد همه در ارتباط با این گروه‌های چپ بود که در دانشگاه‌ها هم فعالیت داشتند. بنابراین دانشگاه و محیط آن به معنای متعارف نبود و محیطی مملو از تشنج‌ها سیاسی و درگیری شده بود. طبیعی است در یک اقدام فرهنگی باید دانشگاه‌ها از این گروه‌ها خالی و تبدیل به محیطی علمی می‌شد. نخستین دانشگاه که اوایل ۱۳۱۳ خورشیدی آغاز به کار می‌کند متون آن ترجمه کتاب‌های نوشته‌شده از سوی متفکران و اندیشمندان غربی است. ضرورت داشت با رخ دادن انقلاب اسلامی تحولاتی در محتوا به وجود آید؛ نه به این معنا که رابطه خود را با

تئوری‌های شرقی و غربی قطع کنیم یا نظریات اندیشمند دارای تفکرات لیبرالی یا مارکسیستی در دانشگاه‌ها بیان نشود، بلکه هدف این بود که تفکرات اسلامی هم در این متون لحاظ شود. به این صورت نباشد که فقط تئوری‌های بیگانه رواج داده شود و فارغ‌التحصیلان با ایده‌های غربی، جامعه را تحلیل کنند و مسائل کشور را پیش ببرند، بلکه برای نیازهای جامعه اسلامی راه‌حلی ارائه دهند که منتج از تئوری‌های غربی یا شرقی نباشد.

معنا و مفهوم انقلاب فرهنگی این بود که برای تدوین نظریات و تئوری‌های مبتنی بر فرهنگ و اندیشه اسلامی تلاش و آن‌ها را در دانشگاه‌ها تدریس و ترویج کنیم. به این سمت پیش برویم که استادان و دانشجویان مسلمان ایرانی قدرت فکری خلاق داشته باشند و با خودباوری تحقیق کنند و نظریه ارائه بدهند که همگی مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی باشد.

« به خودباوری اشاره کردید. اهمیت دانشگاه از منظر امام خمینی (ره) چه بود؟

از دیدگاه امام، خودباوری برای تمام اقشار جامعه از جمله دانشجویان بسیار مهم بود و برای خروج از مهجوریتی که دانشگاه و دانشگاهیان به آن مبتلا بودند و وابستگی‌های فکری و اندیشه‌ای که داشتند، امام بر تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید و اصلاحات در این حوزه را پیگیری می‌کردند. به عنوان مثال، در حوزه روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی اگر اندیشمندی غربی موضوعی را مطرح کرده بود، عنوان می‌شد همین درست است و لاغیر. سیر تاریخی نظریات مثلاً جامعه‌شناسی در غرب، از چند قرن پیش آغاز شده و در طول این سال‌ها با توجه به مسائل مبتلابه جامعه غربی متحول شده است. در واقع آن نظریات مبتنی بر خصلت‌ها، ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی تمدن غربی بوده، درحالی‌که تاریخ و جامعه ایران به‌عنوان یک کشور اسلامی دارای تفاوت‌های اساسی با جوامع غربی است. ما نیاز به نظریاتی

داریم که از بطن جامعه خودمان با توجه به نیازمندی‌ها تعریف شود. اندیشمندان ایرانی باید با نگاه به جامعه خودش و آداب‌ورسوم بومی کشورش و فرهنگی که دارد نظریه ارائه دهد و سپس بتواند آن را اثبات و به یک تئوری تبدیل کند.

« مهم‌ترین اقداماتی که شورای عالی انقلاب فرهنگی در همان ابتدای سال‌های نخست انقلاب و دهه ۶۰ در مدیریت فرهنگ داشت چه بود و این اقدامات چه دستاوردهایی در حوزه فرهنگ و اصلاح امور فرهنگی نصیب کشور کرد؟

پس از اینکه دانشگاه‌ها تعطیل شدند و ستاد انقلاب فرهنگی شکل گرفت، چون قرار بود محتواهای اسلامی تدوین شود، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها ایجاد شد. وظیفه سازمان این بود که استادان صاحب صلاحیت را به کار گیرد و آن‌ها تولید محتوا با فرهنگ و اصول اسلامی در حوزه‌های گوناگون را شروع کنند. کار آغاز و کتاب‌های زیادی در این زمینه منتشر شد که فهرست آن‌ها قابل دسترس است. گروه‌ها در حوزه‌های گوناگون تدوین کتب را پیش بردند. همچنین گروه‌هایی در کنار ستاد انقلاب فرهنگی شکل گرفتند که مسئولیتشان تولید محتوا برای رشته‌های مختلف علوم انسانی بود. کارهای زیادی شد و اسناد آن موجود است. در ادامه که ستاد تبدیل به شورای عالی انقلاب فرهنگی شد، کارها گسترده‌تر و تخصصی‌تر شد. کمیته‌های تخصصی شکل گرفتند که تا امروز هم فعالیت دارند. مسئولیت این کمیته‌ها تولید محتوا در حوزه‌های گوناگون است. گفتنی است آنچه انجام شده نه در حد نهایت کیفیت است و نه می‌توانیم بگوییم کاری انجام نشده است، در واقع صفر و صدی نمی‌توان راجع به عملکرد و فعالیت شورای عالی انقلاب فرهنگی قضاوت کرد، هر کاری می‌توانسته انجام داده است.

« انقلاب در حوزه سیاست به نظر امری سهل‌تر نسبت به انقلاب فرهنگی است، چراکه در انقلاب فرهنگی باید تغییراتی در بنیادهای فکری یک جامعه رخ دهد. آیا تحولاتی که انجام شد در حد انقلاب و تحولات بنیادی بوده است؟ یکی از اهداف تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه اصلاح سرفصل‌های انسانی نیازهای صنعتی و مهندسی هم در کشور چالش‌ساز شده‌اند. خروجی تعامل دانشگاه و صنعت، توسعه و پیشرفت در این حوزه‌هاست، اما می‌بینیم که عملکرد دانشگاه‌ها در

راستای حتی نیازهای صنعتی که شاید سهل‌الوصول‌تر از حوزه فرهنگ و علوم انسانی است خیلی پاسخ‌گو نبوده است. در این باره توضیح بفرمایید که چرا شورای عالی انقلاب فرهنگی در این بخش‌ها نتوانسته در تغییر رفتارها و فرهنگ تولید موفق عمل کند.

تغییر و تحول سیاسی شاید در مدت یک یا دو سال انجام شود، اما تحولات فرهنگی سالیان زیادی زمان نیاز دارد تا محقق شود. مسیر فرهنگ با حرکت کندتر و مشکلات بیشتر طی می‌شود، از این رو تغییر و تحولات فرهنگی نیاز به زمان بیشتری دارد. البته این را هم باید در نظر داشت که کشور ما همیشه در معرض فرهنگ‌های مهاجم با شیوه‌های گوناگون بوده است. در رأس همه قضایا نیاز به خودباوری داریم. اگر این مهم در جامعه و فرهنگ ما به وجود آید بسیاری از مشکلات و چالش‌های امروز ما در حوزه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی رفع می‌شود. در جاهایی که خودباوری ایجاد شد، توانستیم به پیشرفت‌های بزرگی حتی در حوزه‌های فناوری دست پیدا کنیم. واقعیت این است که بعضی به این مسئله اعتقاد ندارند یا معتقدند همان اصول تدوین‌شده از سوی اندیشمندان غربی باید اجرا شود.

اگر روزی موفق شویم و به این باور برسیم که ما هم باید بر مبنای نیازها و مختصات خودمان اقدام به نظریه‌پردازی کنیم و همان نظریات را در باره مسائل داخلی اجرا کنیم، بسیار جلو می‌افتیم. در حوزه فرهنگ نمی‌توان به شکل دستوری پیش رفت. در عصر ارتباطات به سر می‌بریم که همه معتقدند باید جریان آزاد اطلاعات وجود داشته باشد. این یک واقعیت است که حجم تولیدات غربی بسیار بالا بوده و به جامعه ما سرازیر می‌شود و اقشار مختلف از جمله قشرهای دانشگاهی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. البته این تبادل فکری و فرهنگی باید وجود داشته باشد، اما بر اساس اصالت‌های خود باید از یافته‌ها و دستاوردهای دیگران استفاده کنیم. اینکه راهکار چیست، مسئله به این سادگی نیست که شورای عالی انقلاب فرهنگی دستورالعملی صادر کند و همه ملزم به اجرای آن باشند.

« سخن پایانی...»

شورای عالی انقلاب فرهنگی دستاوردهایی داشته و می‌توانست بهتر از این عمل کند. شاید یکی از نقدهایی که در عملکرد این شورا مطرح است این باشد که بیش از حد روی مسائل اجرایی متمرکز شده و مسائل محتوایی در آن کم‌رنگ شده است؛ مسائل اجرایی مانند انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها، تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی دانشگاه‌ها، نحوه استخدام استادان و... انتظاری که از شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود دارد این است که راجع به مسائل عمیق فرهنگی جامعه، چه آن‌هایی که در راستای اعتلای فرهنگی باید انجام شود و چه اموری که برای خنثی کردن تأثیرات تهاجم فرهنگی باید پیگیری شود، بیشتر تمرکز کند. لازم است فکر کنند، نظریه بدهند و راهکار برای مسائل موجود جامعه پیدا کنند. به نظر شورا باید توجه بیشتری روی این موضوع‌ها داشته باشد.

همچنین بحث‌ها نباید فقط روی کاغذ مطرح و سپس بایگانی شود. اگر طرحی در حوزه مسائل فرهنگی کشور پیشنهاد می‌شود باید به مرحله اجرا درآید. با توجه به مسائل و موضوع‌های جدید در حوزه فرهنگ، شورای عالی انقلاب فرهنگی باید راجع به مفاهیم اساسی‌تر و بنیادی‌تر ورود کند و به مباحثه با اندیشمندان و استادان داخلی بپردازد تا در یک حرکت جمعی با اراده‌ای ملی آنچه در حوزه فرهنگ هدف‌گذاری شده محقق شود. ▲

نگاهی به مطالبات رهبر معظم انقلاب از شورای عالی انقلاب فرهنگی

مبادا این کارها زمین بماند!

شتاب علمی را می‌گیرد. شورای عالی انقلاب فرهنگی برای ترویج این روحیه خودباورانه بزرگ‌ترین وظیفه را بر عهده دارد و از طریق صحیح باید این زمینه تحقق این هدف و شرایط رسیدن به آن را فراهم کند.

صیانت از زبان فارسی و ضرورت نوسازی نظام آموزشی

شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن مقابله حکیمانه با هرگونه تضعیف و معارضه با زبان فارسی، برای تقویت، گسترش و تحکیم زبان فارسی در همه زمینه‌ها تلاش ملموس و مجدانه‌ای انجام دهد. ورود اصطلاحات و تعابیر زبان‌های بیگانه در محاورات مردم و بی‌توجهی به اصلاح آن‌ها موجب فراموشی زبان فارسی به‌عنوان بخشی از هویت ملی و به‌تدریج زایل شدن آن می‌شود. انتظار دیگر از این شورا ضرورت توجه به نوسازی و تغییر در سبک آموزشی در مقاطع تحصیلی است. تحول در نظام آموزشی بر کیفیت آموزش و بازدهی بیشتر و بهتر آن کمک می‌کند.

ضمانت اجرای مصوبات و نظارت و هدایت دستگاه‌ها توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی

یکی از مطالبات کلیدی رهبری از شورای عالی انقلاب فرهنگی اهمیت اجرایی شدن مصوبات این شورا در ارتقا سطح فرهنگ کشور است. در این مورد نیز بیش از هر نهادی خود شورا را مسئول پیگیری اجرای مصوبات می‌دانند و معتقدند اسنادی را که شورا تصویب می‌کند با جدیت دنبال کند؛ و این جور هم نباشد که «یک سندی را که مربوط به دستگاه آموزش عالی است، یا مربوط به وزارت بهداشت است، یا مربوط به آموزش و پرورش است، یا مربوط به وزارت ارشاد است، شورا تدوین کند، تصویب کند، بسپارد به آن دستگاه و بکشد کنار؛ نه، این مصلحت نیست. بایستی نظارت خودش را بر کیفیت اجرا، بر اجرایی شدن آن ادامه بدهد؛ حالا یا تا پایان کار یا لااقل تا وقتی که این کار به جریان بیفتد و ببیند که دارد اجرا می‌شود.» این مسئله به خصوص در مورد تهاجم فرهنگی که شامل فعالیت‌های رسانه‌ای صوتی، تصویری، مکتوب و اینترنتی در جهان با هدف تأثیرگذاری بر ذهن و رفتار ملت ایران است ضرورت دارد.

علمی باید با حرکتی جهادگونه، خودباورانه و امیدبخش پیش برود؛ چراکه علم اگر جدای از فرهنگ صحیح باشد به خطا خواهد افتاد. برای پیشرفت علمی لازم است که فضای دانشگاهی از جریانات سیاسی خالی باشد؛ و البته این به معنای بی‌توجهی دانشگاهیان به مسائل سیاسی کشور نیست.

«نسل جوان در هر جامعه موتور حرکت تحولات اجتماعی و تحولات سیاسی است، به خصوص جوان دانشجو طبیعتش این است. این حرف دیگری است، این غیر از این است که ما دانشگاه را محل جولان گرایش‌های سیاسی بکنیم. این را باید حتماً مراقبت کنید و جلوی آن را بگیرید. در این زمینه من این جمله را هم عرض بکنم: یک "می‌توانیم" را ملت ما گفته، نگذارید این "می‌توانیم" تبدیل بشود به عکس آن. گفتند ما می‌توانیم به قله‌های رفیع علمی برسیم، می‌توانیم مرجع علمی جهان بشویم، می‌توانیم خودمان را از حقارت علمی نجات بدهیم؛ که امروز نجات دادند و دشمنان ما، مخالفین ما دارند اعتراف می‌کنند که ایران به دانش دست یافته، نه فقط در زمینه هسته‌ای، در زمینه‌های دیگر همین را دارند می‌گویند و اعتراف می‌کنند. این "می‌توانیم" را که در روح این جوان‌های ما دارد جلوی آن می‌کند، نگذارید از بین برود. شما هم بگویید می‌توانیم و دنبال کنید این می‌توانیم را. ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود. این کارها را می‌توانیم انجام بدهیم که به توفیق الهی هم می‌کنیم. دانشگاه‌ها به هیچ دلیلی جولانگاه جریان‌های سیاسی نشود؛ چراکه این کار جلوی رشد و

«از آنجا که مبنای علوم انسانی غربی، غیرالهی است، براین اساس، نیاز است که با یک کار علمی، تحقیقی و بنیادین به دنبال تحول در علوم انسانی باشیم.»

ضرورت برخورد حکیمانه با پدیده‌های فرهنگی

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، هویت و روح یک ملت است، خاطرنشان کرده‌اند که فرهنگ، حاشیه و ذیل اقتصاد و سیاست نیست، بلکه اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل فرهنگ هستند؛ از این رو انفعال و موضع دفاعی صرف در مقابل فرهنگ مهاجم بدترین و خسارت‌بارترین نوع برخورد با بحران‌های فرهنگی است که ایشان بر ضرورت برخورد مبتکرانه با مسائل و معضلات فرهنگی و حل روشمند و صحیح آن‌ها تأکید دارند.

استمرار پیشرفت علمی در دانشگاه‌ها

مشکلات کشور جز با توسعه علم و تعمیق و تعمیق علم در کشور پیش نخواهد رفت. با این تفسیر، تولید علم نه فقط در حوزه علوم پایه بلکه هم‌زمان در علوم انسانی نیز باید با جدیت مورد توجه قرار گرفته و پیگیری شود. نکته قابل توجه در این میان حفظ روحیه جوانان و اعتماد به نفس آنان است. رهبر انقلاب، شورای عالی انقلاب فرهنگی را موظف به تقویت خودباوری و نشاط‌پروری برای فتح قله‌های علمی تا برپایی تمدن نوین اسلامی دانستند و برای تحقق آن تأکید دارند که پیشرفت



بهاره داداشی: نگاهی به ترکیب اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضویت سران سه قوه و مسئولان فرهنگی، نظامی، سیاسی، رؤسای سازمان صداوسیما و سازمان فرهنگ و سازمان تبلیغات اسلامی حوزه و نیز معاونان امور خانواده، مراکز دانشگاهی و علمی، بهداشتی و نیز اشخاص مطلع و دغدغه‌مند در حوزه مسائل فرهنگی در این سازمان نشان از اهمیت مسئله فرهنگ و ضرورت همکاری و همفکری همه نهادها و سازمان‌ها در رفع مسائل و معضلات فرهنگی و نیز لزوم ارتقای سطح فرهنگ در کشور است. وجود چنین پایگاهی با این نیروهای زبده لازم است که اثرگذاری خود را با سیاست‌گذاری‌های صحیح و توجه بهتر و بیشتر به مسائل عمده فرهنگی در کشور با جلوه نمود بیشتری نشان دهد. رهبر انقلاب اسلامی نیز در جایگاه رهبری دارای شخصیتی فرهنگی و آگاه به مسائل کشور در این امور بوده و همواره نیز مسئولان و نهادهای ذی‌ربط را بر ضرورت توجه و پرداختن به مسائل فرهنگی مورد خطاب قرار داده و با تبیین اهمیت حیاتی مقوله فرهنگ و لزوم پرداختن به دامنه گسترده در این موضوع بر جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان رأس این امور تأکید کرده است.

آیت‌الله خامنه‌ای از شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان قرائه فرهنگی یاد می‌کنند و در تشریح این نام که در بطن آن معنایی نظامی را القا می‌کند، بر حساس بودن حفظ فرهنگ اسلامی و ایرانی در مقابل مواجهه گسترده که به مبارزه‌ای جدی برای ملت‌های باسابقه و بافرهنگی چون ایران تبدیل شده تأکید دارند و تمام توجهات را به آن جلب می‌کنند. اشارات تأکیدی رهبر انقلاب به مقوله فرهنگ و مطالباتی را که از شورای عالی انقلاب فرهنگی دارند در ذیل چند عنوان می‌توان مورد توجه قرار داد، هرچند که دامنه این توجهات به گستردگی فرهنگ است که در اینجا بخش‌هایی از آن ذکر می‌شود.

تدوین مبانی تحول علوم انسانی

شورا به‌عنوان اساسی‌ترین کار، موظف به تدوین مبانی علمی و فلسفی برای تحول علوم انسانی است و رهبر انقلاب در این زمینه ضرورت توجه به آسیب‌های اجتماعی و علل فرهنگی آن را مدنظر قرار داده و بر ریشه‌یابی و بررسی و ارائه راه‌حل‌هایی برای مسائلی همچون طلاق، فسادهای مالی و بزهکاری توسط شورا تأکید دارند.

پیشنهاد شاخص‌هایی برای ارزشیابی عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی

علی‌اصغر پورعزت:

شورای عالی انقلاب فرهنگی معمولاً در مقام نهاد مکمل ختم‌شده‌ی گذاری عمومی ظاهر می‌شود. این شورا موظف است با ارائه مشورت در قالب پیشنهاد دستور کارهای ختم‌شده‌ی اجرایی، به اصلاح عملکرد شوراهای مورد نظر کمک کند. بنابراین، ماهیت کار این شورا مشورتی است؛ البته به‌تدریج در برخی کارهای اجرایی نظیر تأیید صلاحیت داوطلبان ریاست دانشگاه‌ها نیز وارد می‌شود، درحالی‌که به لحاظ عدم درگیری صریح در اجرا، معمولاً از حساسیت مسئولیت یا ارزشیابی عملکرد مصون می‌ماند. ضمن اینکه به لحاظ منطقی نمی‌توان به گزارش‌های عملکردی این‌گونه گروه‌ها و شوراهای اکتفا کرد، زیرا معمولاً نوعی رضایت نسبی از عملکرد خویش بر منطق ارزشیابی عادلانه سایه می‌افکند. هرچند اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی از میان بهترین استادان کشور برگزیده می‌شوند، ولی حاصل عملکرد مجموع آنان، وضع فرهنگی امروز جامعه است؛ یعنی اگر هزاران قلم‌آمار و ارقام حاکی از توفیق این شورا در دسترس باشد، باز این وضعیت جامعه است که هشدار می‌دهد این شورا موفق عمل کرده است یا خیر. این اوضاع را می‌توان با تأمل بر شاخص‌های مهمی نظیر موارد زیر و با در نظر گرفتن سیر افزایشده یا کاهشده آن‌ها رصد کرد: الف) میزان ارتکاب جرم و بزه در سطح کشور؛ ب) میزان اعتماد عمومی به منابع خبررسانی رسمی دولت؛ ج) میزان استقبال مردم از محصولات فرهنگی داخلی نظیر فیلم‌ها، برنامه‌ها و تئاتر؛ د) میزان علاقه مردم به مطالعه و کتاب‌خوانی؛ ه) میزان علاقه مردم به بازدید از موزه‌ها و بناهای فرهنگی؛ ز) میزان تمایل مردم به شرکت در مراسم فرهنگی و مذهبی تبصره: در همه موارد فوق باید میزان جمعیت کشور را مدنظر قرار داد.

این مهم توسط افراد عادل و متخصص و درعین حال بی‌طرف، مورد تأیید و تأکید قرار گرفته باشد، افراد مستقلی که سرنخست کشور برای آن‌ها مهم باشد و هرگز تحت تأثیر ملاحظات مصلحت‌گرایانه رعایت حریم طرفین (که در فضای اداری و

سیاسی مرسوم و متداول است) قرار نگیرند. بنابراین، ارزشیابی عملکرد هم‌تراز یا ارزشیابی توسط افراد هم‌تراز اعضای شورا می‌تواند راه بسیار اثربخشی برای اصلاح عملکرد اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد. در واقع، در مواردی که ارزشیابی عملکرد با استفاده از شاخص‌ها و معیارهای کمی متداول ناممکن باشد، یکی از روش‌های خردمندانه ارزشیابی، استفاده از قضاوت هم‌ترازان درباره اثر نهایی عملکرد است. اثر نهایی عملکرد شورا باید ایجاد جامعه‌ای امن، برخوردار از کیفیت مطلوب زندگی خردمندانه و آگاه و امیدوار باشد. شاخص‌های امید به زندگی، توزیع عادلانه ثروت و احساس امنیت و به‌ویژه برخورداری از حس اعتماد متقابل میان اعضای جامعه فرهنگی و امید آن‌ها به آینده بهتر و درخشان‌تر،

از جمله مهم‌ترین شاخص‌های قابل توجه در این باره هستند. باید توجه داشت که فرهنگ را نمی‌توان مستقل از سیاست و اقتصاد ارزشیابی کرد، بنابراین به مراتبی که فرهنگ توسعه می‌یابد، نهادهای اقتصادی و سیاسی نیز در روند توسعه قرار می‌گیرند؛ از این رو، عملکرد برتر شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌طورحتم بر احساس امنیت و اعتماد به دولت و همچنین امید به توسعه اقتصادی مؤثر خواهد بود. اکنون فرصت مناسبی است که با تجدیدنظر در ساختار عمل و اقدام نهادها و بازیگران عرصه فرهنگ جامعه، فرصت مناسب‌تری برای ختم‌شده‌ی گذاری فرهنگی اثربخش و توسعه پایدار فرهنگی فراهم آید.



گفتاری از منصور واعظی

دهه چهارم انقلاب و ضرورت تقدم فرهنگ بر آموزش



بزرگوار

انقلاب فرهنگی ایران، رویدادی مبارک بود که در اوان پیروزی انقلاب اسلامی بنا به نیاز جامعه انقلابی با تدبیر و رهبری عالمانه معمار کبیر انقلاب (ره) و عزم دانشجویان و همت عالی دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی صورت پذیرفت و هدف ابتدایی‌اش بنا به مقتضیات زمان و به سبب باقی ماندن برخی از عناصر ضدانقلاب ریشه‌دوانده در دانشگاه‌های کشور، اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها بود و بعد از آن ضرورت بر وحدت حوزه و دانشگاه برای کمک به اسلامی‌شدن محتوای کتاب‌های درسی و علمی بود که در آن زمان بر اساس نظام غرب و بنا بر مقتضیات جوامع ضد دین پایه‌ریزی شده بود که بحمدالله تا حد زیادی هم توفیق این کار بزرگ با همت متصدیان انقلاب فرهنگی و استادان مؤمن و متعهد و دانشمندان مسلمان و مستعد و انقلابی ایران عزیز، میسر شد؛ گرچه هم‌چنان تا تحقق کامل هدف اسلامی‌سازی دروس و هماهنگی کامل آن‌ها با شرایط و نیازهای جامعه اسلامی به ویژه در شاخه علمی مؤثر علوم انسانی راه دشواری باقیست و عزم مصممی مورد نیاز که امیدواریم هرچه زودتر با همت عالی و متعالی متصدیان امر، به‌طور کامل محقق شود.

در آن زمان حساس اوایل پیروزی انقلاب امر مهم اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها نیازمند ستادی کارآمد برای مدیریت بود که به دستور امام (ره) در سال ۱۳۶۰ به ریاست رهبری عزیز انقلاب این ستاد تشکیل شد و در نهایت در ۱۹ آذر سال ۱۳۶۳ با حکم حکیمانه امام (ره) و با قصد

«خروج از فرهنگ بدآموز غربی» و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی، ملی و انقلاب فرهنگی با هدف گسترش فرهنگ انقلابی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور با حضور مؤثر و مفید مقام معظم رهبری و دیگر مسئولان نظام شورای محترم عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شد، شورایی که با هدفی مبارک تشکیل شد و به‌راستی همواره مورد عنایت رهبر معظم انقلاب بوده است.

به‌تدریج شورای عالی انقلاب فرهنگی با توجه به ظرفیت بالا و جایگاه والایی که دارد وظایف انقلابی دیگری را در حوزه فرهنگ از جمله ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و گسترش زبان و فرهنگ فارسی... تا مدیریت بر فرهنگ عمومی، بر عهده گرفت و این مسئولیت‌ها بار سنگین‌تری را بر عهده این شورا گذاشت؛ مدیریت شورای عالی بر فرهنگ عمومی از مهم‌ترین وظایف این شورا است؛ چراکه فرهنگ عمومی بسیار مهم است و مدیریت بر آن بسیار ظریف است که اگر فرهنگ عمومی متعالی در جامعه‌ای نهادینه شود، راه رشد مردم آن جامعه، در تمامی عرصه‌ها و با کم‌ترین امکانات با بهره از آن فرهنگ غنی، گشوده خواهد شد و چنانچه همه راه‌ها و لو میان‌بر و همه امکانات گرچه با وفور، در خدمت قومی بی‌فرهنگ مناسبی برای بهره‌گیری مناسب از آن امکانات قرار گیرد، جز بی‌راهه آنان را راهی و جز تباهی ایشان را سرنوشتی، نصیب نخواهد بود و آن‌چنان که بارها شنیده‌اید و بنده هم بنا بر وظیفه گفته‌ام، اکنون در دهه چهارم انقلاب شکوه‌مند اسلامی، نیاز است تعامل بین مجموعه‌هایی که بر مدیریت فرهنگ عمومی نظارت یا دخالت داشته

در این حیطه وظایفی بر عهده دارند به‌درستی تبیین شود تا با هم‌افزایی توان آنان به جای موازی‌کاری جزیره‌ای کارهای بزرگ و عظیم جهادی، آسان‌تر انجام شود و با آسیب‌شناسی شفاف و رصد دقیق مشکلات و شناخت و درک کامل مسئولیت‌ها سهم نهادهای مربوطه و حیطه دقیق وظایف و میزان پاسخ‌گویی‌شان در هر اتفاق یا مشکل فرهنگی کاملاً روشن و مشخص شود. چراکه جایگاه فرهنگ در حکومت دینی جایگاه ویژه و بسیار حساسی است و شاید مهم‌ترین تکلیفی که ولی‌فقیه در حکومت اسلامی مورد توجه قرار می‌دهند حوزه فرهنگ است که ایشان به کرات بر مظلومیت فرهنگ تأکید داشته‌اند و رهبری نسبت به فرهنگ مردم عزیز حساسیت و مسئولیت خاصی دارند؛ اگر از این منظر به شورای عالی انقلاب فرهنگی نگاه کنیم، حضور و فعالیتش در مسائل مربوط به فرهنگ عمومی امری بسیار ضروری است که تاکنون هم الحق و انصاف اعضای محترم شورای عالی با توجه به این مهم که اکثر ایشان از چهره‌های شناخته شده فرهنگی و مفتخر به برگزیده شدن از سوی رهبری عزیز هستند به این مهم عنایت ویژه داشته‌اند؛ اما شاید بتوان گفت که به سبب حجم زیاد و گستردگی کار، گاهی امور فرهنگی به سبب مظلومیت‌شان ذیل رسیدگی به امور آموزشی تا مدتی مسکوت می‌مانند که شایسته است با تخصیص زمان بیشتر به موضوع فرهنگ عمومی در شورای عالی و یا با تفکیک جلسات تصمیم‌گیری در خصوص مسائل آموزشی که البته بسیار هم بااهمیت هستند، از حوزه فرهنگ عمومی، این مشکل کمبود زمان برای صرف در حوزه فرهنگ عمومی برطرف شود که البته اعمال این نظر نیاز به کار کارشناسی و بررسی دقیق و موشکافانه دارد و به‌هرحال در کارهای عظیم ممکن است مشکلاتی نیز پیش بیاید که بایست با کمک همه و تدبیر و دقت برطرف شوند.

برای توجه بیشتر به نقش مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی، باید توجه داشته باشیم و از یاد نبریم که دعوی اصلی مستکبران با انقلاب اسلامی بر سر استقلال اقتصادی و سیاسی نیست و نبوده است. دنیای استکباری در برابر فرهنگ ما ایستاده است نه در برابر اقتصاد و سیاست ما؛ دنیا در برابر پیام فرهنگی انقلاب ایستاده است و به دنبال این است که با انقلاب فرهنگی‌ای مبارزه کند که موجب شد دست پلید و استثمارگر آنان و ایادی جیره‌خوار وطن‌فروش‌شان از دانشگاه‌های ما کوتاه شود و راه بر اشاعه افکار پلیدشان در جامعه اسلامی ایران مسدود گشته و از امکان تصمیم‌گیری برای اثرگذاری بر فرهنگ مردم ما و انحطاط فرهنگ غنی اسلامی، ایرانی و هدایت‌گرایش مردم به سمت سبک زندگی غربی با هدف استثمار هرچه بیشتر ایران عزیز و تبدیل آن به بازار عرضه فرهنگ و اقتصاد و روش و منش زندگی منحنی غربی، جامانده و وامانده شوند و با تمام قوا از تحریم و تهدید تا وعده و وعید، سعی باطل دارد که از هر روزنی به ایران اسلامی رسوخ کند و راه امکان این ورود نامبارک را در تهاجم فرهنگی دیده است. ▲

آرمان دانشگاه اسلامی و برخی چالش‌های پیش رو

۱ محمدحسین سیاح طاهری* بحث

مهم و تعیین‌کننده اسلامی کردن دانشگاه‌ها سالیانی درازی از زمان آغاز انقلاب فرهنگی تا به امروز است که دغدغه مهم بسیاری از دلسوزان کشور است. درست‌تر آن است که بگوییم از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی یکی از آرزوهای مهم و اساسی، داشتن دانشگاهی اسلامی و مستقل برای تربیت نسلی توانمند و خوداتکا بوده است. توفیقات بسیاری در این مسیر حاصل شده که حاصل تلاش دلسوزان امر است، اما قطعاً تا نقطه مطلوب فاصله‌ای بسیار طولانی داریم. تأکیدات چندین و چندباره رهبر معظم انقلاب بر این امر موضوع دانشگاه اسلامی را به دغدغه مهم علاقه‌مندان به امروز‌بربنایی تبدیل کرده است که اهتمام جدی متولیان امر را می‌طلبد.

۲ متأسفانه علی‌رغم گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی، باید گفت که همچنان بین مسئولان و متولیان امر در رابطه با تعریف «دانشگاه اسلامی» اختلاف نظر وجود دارد و تعریف واحد و مشخصی مورد توافق قرار نگرفته است؛ اما در مجموع می‌توان گفت گستره قلمرو اسلامی شدن از ابتدای انقلاب بسیار افزایش پیدا کرده و بین مسئولان فقهی عمیق‌تر در این رابطه حاصل شده است.

در دوران کنونی اگرچه هنوز کسانی هستند که اسلامی شدن را صرفاً با احداث نمازخانه، اخراج استادان ضد انقلاب و اصلاح وضعیت پوشش

کوچک استادی و فعالیت‌های دانشجویی قائل نیستند و تصور نمی‌کنند که خیلی از این دانشجویان عادی که در گروه‌های کوچک مطالعاتی و پژوهشی جمع شده‌اند تأثیراتی به‌مراتب بیشتر از این فعالیت ستادی دارند؛ و اگر از همین آب بار یک حمایت به عمل آید جوی‌ها و رودها تشکیل خواهد شد.

۴ یکی از مشکلات اصلی در فرایند اسلامی شدن، نبود نظارت مستمر و نبود ضمانت اجراست و اینکه پیگیری مصوبات و اسناد قبلی و اجرایی کردن آن‌ها اولویت بیشتری نسبت به تصویب مصوبات جدید دارد. باید گفت که ما در رابطه با اسلامی شدن دانشگاه‌ها در بخش‌هایی با تراکم قانون و مصوبه مواجه هستیم، اما در بخش‌هایی خلأ وجود دارد؛ برای مثال، «سند دانشگاه اسلامی» که مصوب سال ۱۳۷۹ است، در رابطه با گزینش استاد، دروس معارف اسلامی، بازنگری در متون درسی و بسیاری موارد دیگر آنچه لازم است، گفته؛ اما در بخش‌هایی مانند مدیریت دانشگاه و اصلاح فضای فرهنگی دانشگاه‌ها همچنان جای خالی وجود دارد.

به‌طورکلی اغلب اسناد کلان مرتبط با تحول علم و دانشگاه از چند مشکل رنج می‌برند: اول اینکه

دانشجویی همسان می‌گیرند، اما بسیاری از مسئولان امروز معتقدند که اقدام‌های فوق‌هرچند ضروریست اما به تنهایی دردی را دوا نخواهد کرد و این ساختار دانشگاهی است که باید اصلاح شود؛ متون درسی باید تغییر کند، فضای حاکم بر دانشگاه می‌باید فضای تعلیم و تربیت باشد و از همه مهم‌تر، علم دینی بر دانشگاه‌ها حاکم شود.

۳ بوروکراسی دولتی یکی از موانع اساسی در پیشبرد امور در ایران است و اینکه تصور شود با سیاست‌گذاری و ابلاغ صرف مصوبات کاری از پیش خواهد رفت، تصوری خام خواهد بود. باز هم تجربه نشان می‌دهد که با مکانیسم‌های مجازات-پاداش و با استفاده از افرادی که منش کارمندی دارند و به‌صورت ازسربازکنی کار را انجام می‌دهند، اسلامی شدن حاصل نمی‌شود و نیاز به افرادی معتقد و دغدغه‌مند، چه در دولت و چه در خارج آن است تا این فرایند را پیگیری کنند. باید روحیه‌ای جهادی با تلاشی عالمانه تلفیق شود و جنبشی فراگیر سرتاسر دانشگاه‌ها را در بر بگیرد تا روندی رو به رشد داشته باشیم.

واقعیت این است که بسیاری از متولیان اسلامی کردن دانشگاه‌ها اهمیت چندانی برای جمع‌های

در آن‌ها به ذکر کلیات بسنده شده، آن هم کلیاتی آرمانی و بسیار بزرگ که معلوم نیست اگر تمامی امکانات و افراد کشور هم بسیج شوند بتوان به آن‌ها رسید. مواردی مانند «حاکمیت ارزش‌های اسلامی بر فضای دانشگاه» یا «قدسی نمودن دانش» که به‌عنوان اهداف این نقشه‌ها مطرح می‌شود اگرچه دوست‌داشتنی است، اما به‌سادگی و حداقل ظرف مدت کوتاه در نظر گرفته‌شده برای اجرای نقشه‌ها حاصل نمی‌شود.

دوم اینکه راهبردها و سیاست‌های حاکم بر این نقشه‌ها باید ناظر به حل مسئله و مشکل خاص باشد که متأسفانه این‌گونه نیست. اساساً یک «راهبرد» باید بیان کند که بین روش‌های گوناگون برای حل یک نقیصه و با توجه به شرایط و امکانات موجود، «از چه طریق» می‌خواهیم به مطلوب برسیم، نه آنکه هرچه فعالیت خوب و لازم در عالم است به‌عنوان راهبرد پیشنهاد بدهد. ▲

*محمدحسین سیاح طاهری از جمله افرادی است که ضمن طی کردن دورانی در دبیرخانه شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، هم از نزدیک با چالش‌های بوروکراتیک اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها آشناست و هم با نگاهی آسیب‌شناسانه در این زمینه به پژوهش پرداخته است. متن حاضر گزیده‌ای مختصر از یکی از پژوهش‌های وی با عنوان «ده پرسش مهم پیرامون اسلامی شدن دانشگاه‌ها» است که برای انتشار در اختیار چراغ قرار داده است.

یاران امام، حامیان انقلاب فرهنگی



پس از ابراز نگرانی امام خمینی از وضعیت دانشگاه‌ها و فرمان ایشان به منظور تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی، علاوه بر دانشگاهیان مؤمن و متعهد و علاقه‌مند به سرنوشت دانشگاه در ایران، این روحانیون و حوزویان برجسته بودند که با حمایت از تصمیم امام، تمام ایده‌ها و دانش خود را برای اصلاح وضعیت دانشگاه و به طور خاص علوم انسانی در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم امام و انقلاب کردند.

این تصویر نمایی است از گردهمایی طلاب و روحانیون در حمایت از انقلاب فرهنگی که خرداد ماه ۱۳۵۹ در شهر قم برگزار شد. در این عکس علامه طباطبایی به همراه جمعی از روحانیون از جمله آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، آیت‌الله محمد یزدی، آیت‌الله محمد مهدی ربانی املشی، آیت‌الله احمد آذری قمی و ... دیده می‌شوند.

مروری بر خاطرات حجت‌الاسلام دکتر احمد احمدی از روزهای انقلاب فرهنگی

دستور امام برای بازگشایی با قوت دانشگاه‌ها

می‌گفتم ایشان دومیلیون را می‌فرستاد. خلاصه آمدیم بیرون از خدمت امام و آقای خامنه‌ای گفتند که خوب ما را نزد امام خیط کردی! و من گفتم که شما به حساب ناآگاهی ما بگذارید.

انقلاب فرهنگی احیاگر فرهنگ اسلامی

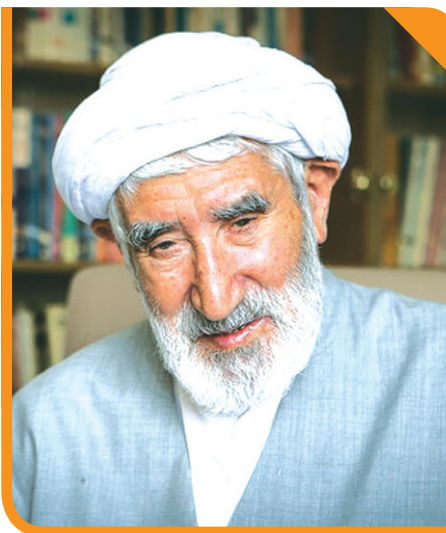
ما پیش از انقلاب یک شیوه‌ای داشتیم، یک دانشگاهی داشتیم. زمانی که انقلاب شد این شیوه به فراخور انقلاب تغییر کرد، قوانین نیز بر اساس مبانی انقلاب اسلامی ایران حتی در دانشگاه استوار شد. مگر می‌شود که انقلابی بشود و بعد پایه بر اساس همان حکومت شاهنشاهی یا کمونیستی قبلی استوار باشد؟ پیش از انقلاب من خودم در دانشگاه بودم. یک استاد بر اساس تفکر خودش کمونیستی تدریس می‌کرد و یکی مارکسیستی و دیگری بر اساس بینش غربی و سکولار و امثال این‌ها، بعضی هم از یک مذهب خاص تبعیت و مباحثشان را بیان می‌کردند؛ اما اینکه کار روی اصول و پایه‌های اسلامی باشد، این‌طور نبود. پس از انقلاب طبیعی بود که باید یک جمعی بنشینند و کاری بکنند، این جمع باید دروس دانشگاهی و مبانی درس دانشگاهی را بر اساس اسلام تدوین کنند.

و پول ندارم، شما اگر می‌توانید کمکی به ایشان بکنید. امام هم بسیار خوشحال شد و خندید (من دیگر هیچ‌وقت چنین خنده‌ای از امام ندیدم).

خلاصه با تبسم نمکینی به ما گفتند که چقدر نیاز است. آقا گفت که سه، چهارمیلیون لازم دارند. من فکر کردم که نکند این وجوه شرعی زیاد باشد و ایشان قبول نکنند، بنابراین فوراً گفتم یک یا دومیلیون هم کفایت می‌کند. ایشان هم یکمیلیون بعدها برای ما فرستادند، فرضشان هم این بود که اگر دو یا سهمیلیون

وزارت علوم و برنامه‌ریزی فرهنگی و هم ستاد شورای انقلاب فرهنگی را انجام می‌دادیم. از سال ۶۳ ستاد تبدیل به شورا شد، البته تلاش برای اینکه دانشگاه مرکزی برای تربیت افراد انقلابی باشد از سال ۶۰ صورت گرفت.

امام یکمیلیون تومان برای تأسیس «سمت» دادند! در سال ۶۴ به همراه آیت‌الله خامنه‌ای که آن زمان رئیس‌جمهور بودند، خدمت امام راحل رسیدیم. ایشان من را به امام معرفی کردند و گفتند که من می‌خواهم چنین مؤسسه‌ای دایر کنم



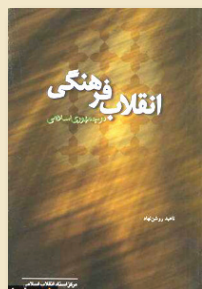
تلاش شبانه‌روزی برای بازگشایی دانشگاه‌ها

من از سال ۳۹ یا ۴۰ که مرحوم بروجردی به رحمت خدا رفتند، مقلد مرحوم امام خمینی (ره) بودم و مدتی هم پای درس ایشان حضور داشتم. پس از انقلاب و حتی در حین شکل‌گیری انقلاب با ایشان ارتباط داشتم و این طبیعی است که در شکل‌گیری انقلاب نقش داشته باشم؛ بنابراین از ۵ دی‌ماه سال ۶۰ به فرمان حضرت امام (ره) در ستاد انقلاب فرهنگی حضور پیدا کردم. آن دوره دانشگاه‌ها تعطیل شده بود، امام هم دستور داده بود که دانشگاه‌ها با قوت باز شود. ما هم بر این اساس تلاش زیادی می‌کردیم که در حد مطلوب دانشگاه‌ها را راه‌اندازی کنیم؛ بنابراین تا ساعت یازده و دوازده شب کار می‌کردیم تا هرچه زودتر دانشگاه باز شود. گاهی ده تا پانزده برنامه را روزانه تدوین می‌کردیم و تایپ و تحویل و آماده‌سازی آن‌ها انجام می‌شد.

به تدریج ستاد انقلاب فرهنگی کارهای دانشگاهی‌اش را به وزارت علوم واگذار کرد و به شورای انقلاب فرهنگی تبدیل شد (دوره‌ای که مقام معظم رهبری رئیس‌جمهور بودند و ایشان پیشنهاد این کار را دادند). بنابراین ما هم کارهای

روز
روز
روز

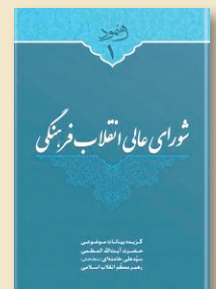
برای مطالعه بیشتر



**انقلاب فرهنگی در
جمهوری اسلامی ایران
دگرگونی در آموزش عالی**
ناھید روشن‌نهاد
ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
تعداد صفحه: ۲۸۸ صفحه



**انقلاب فرهنگی در
دانشگاه‌های ایران**
محمد شرف‌زاده برادر
ناشر: پژوهشکده امام خمینی و
انقلاب اسلامی
تعداد صفحه: ۳۵۶ صفحه



**شورای عالی انقلاب
فرهنگی (رهنمود)**
آیت‌الله سید علی خامنه‌ای
ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
تعداد صفحه: ۲۱۶ صفحه

جیران

ضمیمه هفتگی روزنامه قدس در حوزه تاریخ

صاحب‌امتیاز: مؤسسه فرهنگی قدس (وابسته به آستان قدس رضوی)

سرپرست مؤسسه: سید محمود مرویان حسینی

سردبیر: امیر جلیلی نژاد

دبیر ویژه‌نامه: بهزاد جامه‌بزرگی | صفحه‌آرا: علیرضا رحمانی

آدرس: مشهد، بلوار سجاد، نبش سجاد ۱

تلفن: (۹ خط) ۰۱۱ ۳۷۶۸۵۰۱ (۰۵۱)

www.qudsonline.ir